



# تعلیم و تربیت

## در ایران باستان

### بخش چهارم: روش‌های تعلیم و تربیت

پژوهش‌گر: فروغ شاهرودی

ادامه از شماره گذشته

العمل نیک یعنی گفتار و کردار پسندیده نتیجه شود و از اندیشه‌ی بد، گفته و کردار بد.

از دو گوهر یا نیروی سپتامینویانیکی و آنگره مینو یا اهریمنی نیز نباید غافل بود. در گات‌ها، های ۳۰، زرتشت از دو گروه همزاد یا دو نیروی سرشتی و طبیعی انسان یعنی نیکی و بدی سخن می‌گوید. نیروی سپتامینو یا نیکی آدمی را به سوی روشنایی و فروغ اهورایی رهبری می‌کند و نیروی آنگره مینو یا اهریمنی او را به سوی تاریکی و زشتی می‌رساند.



سه عنصر جاویدان پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک در ستیزی جاودانه با پندار زشت، گفتار زشت و کردار زشت به سر می‌برند.

اولی موجب نیرو و فعالیت و کوشش است و دومی موجد سستی و تنبلی و بی‌کاری و گمراهی است.

از دیگر مسایل، اعتقاد به سه اصل دین زرتشتی و عمل به آن بوده است: «من اقرار دارم که مزداپرست، زرتشتی با ایمان و اعتقاد. من ایمان دارم به پندار نیک اندیشیده، من ایمان دارم به سخن نیک گفته شده، من ایمان دارم به کردار نیک کرده شده».<sup>۳</sup>

آری نیاکان ما درک نموده بودند که اساس و ریشه‌ی تمام برخوردها و عکس‌العمل‌های انسانی، اندیشه است. از اندیشه‌ی نیک عکس

البته این ستایش‌ها و نیایش‌ها در پیش‌تر وقت‌ها در مکان آتشکده‌ها و مقابل آتش انجام می‌شد.

از دیگر مبانی دین زرتشتی اعتقاد به سرای دیگر و بهشت جاوید است: «... ایمان و کیش زرتشت را می‌ستایم و کسی که از برای، زندگی دیگر کوشا و آرزومند راستی است».<sup>۱</sup>

«بهشت پرهیزکاران را ستایش می‌کنم ..... عالم برزخ خود ساخته، چینور پل مزدا ساخته را ستایش می‌کنم».<sup>۲</sup>

۱- یسنا، های ۱۶، فقره ۲

۲- وندیداد، فرگرد ۱۹، فقره ۳۶

۳- یسنا، های ۱۲، فقره ۸

## وفای به عهد، پیمان و تعهد، فصلت های نیکوی ایرانیان

### در طول تاریخ بوده است.

چگونگی ورود در دین مزدایی یا جشن نوزود

نوزود در اوستا در ابتدا به شکل Nawazaotar بوده که بعدها به شکل نوجوت در آمده و به معنی «دعا کننده نوه» است. هدف از آن پذیرفته شدن نوجوان به آیین زرتشتی و آشنا کردن وی با رموز دینی بوده است.

و آن عبارت بوده است از این که پیراهن مقدس را که موسوم به سدره باشد به او می پوشانند و نوار مقدسی را که موسوم به کستی باشد به کمر او در روی آن پیراهن می بستند. سن

۵- تکرار نیایش ماه در هر ماه سه روز

۶- جشن راپیتوان

به طور کلی در بخش آموزش های اخلاقی و دینی به مباحث زیر می پردازیم:

چگونگی ورود در دین مزدایی یا جشن نوزود<sup>۵</sup>، مراحل امشاسپندان و سیر به سوی اهورامزدا، راهنمایی خود به سوی اهورا و جهان برین،

کسی را که اندیشه ناخوش بود بدان ناخوشی رای او کژ بود به هر حال این دین هرگز نفوذ و تأثیری را که در هدایت اخلاقی و آموختن ادب و پرورش روحی مردم داشته است از دست نداد و از تأثیرات آن نباید غفلت کرد.

بعد از سن پانزده سالگی، بر هر فرد زرتشتی لازم بود<sup>۴</sup> که سه راهنما برای خود انتخاب کند. نخست یک نفر هیرید یا موبد که به طور دائم راهنما و همراه او باشد و گاه گاه شخص را متوجه وظایف دینی و اجتماعی سازد.

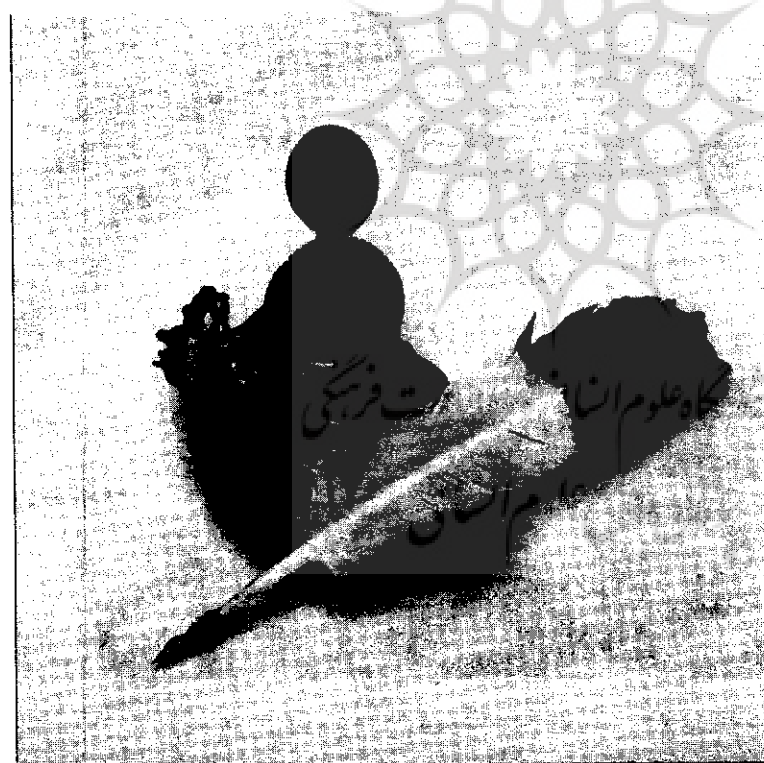
دوم آن که یکی از فرشتگان با ایزدان را برای خود برگزیند و یار خود سازد و در هنگام تنگی و سختی او را به کمک طلبد.

سوم آن که در میان مردمان دوست دانی را برای خود برگزیند تا در مواقع سختی و بحران با او بتواند مشورت کند.

هر مرد و زن زرتشتی ملزم بود که در هر سال شش وظیفه دینی را انجام دهد:

- ۱- به جا آوردن مراسم مربوط به گاهانبارها و جشن آن
- ۲- به جا آوردن مراسم فروردین و جشن آن
- ۳- جشن گرفتن روزگار پدر و مادر
- ۴- تکرار نیایش خورشید و مهر در هر روز سه مرتبه

۴- سیر تمدن و تربیت در ایران باستان،



جشن نوزود هفت است. البته در صورتی که طفل شعور کافی برای فهم جشن نداشته باشد و مسئولیت آن را درک نکند یا علت های مهم دیگری وجود داشته باشد جشن را تا پانزده سالگی به تأخیر می انداخته اند. اما بر طبق اوستا، سن بلوغ پانزده سالگی است و در این سن شخص باید مراسم ورود در دین را انجام

خرد و گفتار و کردار نیک، راستی، تواضع و فروتنی، وفای به عهد و پیمان، اطاعت، رادی و دهش، آداب اجتماعی.



داده باشد و گرنه زرتشتی محسوب نمی‌شود.

این جشن بسیار مهم بوده زیرا تحول مهمی در زندگی طفل به شمار می‌رفته است. لذا با تشریفاتی خاص برگزار می‌شد. کمی پیش از تشریفات جشن، شخص بایستی در آب شستشو نماید که نوعی تطهیر بود. سپس آن فرد در پیش و موبد در پشت سر او رو به خورشید می‌ایستادند و دعایی را می‌خواندند و در همان حال کستی یا کمر بند مقدس را بر روی سدره یا پیراهن مخصوص سه دور به دلیل سه اصل اساسی دین زرتشت یعنی گفتار، کردار و پندار

## در ایران باستان جوانان موظف می‌شدند برای تجربه اندوزی در زندگی، در شوراهای خانوادگی، قبیله‌ای، شهری و کشوری شرکت کنند.

قبل از حمام و قبل از غذا بود. همیشه به طرف روشنایی نخ را می‌بندند.<sup>۷</sup> پس از اعمال مربوط به بلوغ و مراسم دینی، آن شخص عضو کامل جامعه محسوب می‌شد و مشمول تمام وظایف اجتماعی و دینی یک نفر زرتشتی شمرده می‌شد.

### مراحل امشاسپندان و سیر به سوی اهورامزدا

دکتر پتاوالا Pthawala در کتاب خود «فروغ ایران باستان» به شیوه قابل توجهی پله‌های نردبان صعود به سوی پروردگار یا اهورامزدا را برابر مراحل شش‌گانه امشاسپندان به ترتیب زیر بیان می‌کند:

- ۱- نخستین پایه، بهمن یعنی منش و اندیشه‌ی نیک و پاک (وهومن)
- ۲- اردیبهشت یعنی بهترین پارسایی، راستی و پاکی (اشه و هیشته)
- ۳- شهریور یعنی نیرویی خدایی، قدرت اخلاقی، نیروی فرمان‌روایی (خشتره و نیریه)



مزدیستاست. سدره نیز به معنی عفت در زندگانی و پاکی عمل است. سدره و کستی را فقط در مواقع شستشوی بدن بیرون می‌آوردند و در طول سال هر روز نیز چندین بار نخ (کستی) را باز کرده و می‌بستند و آن مواقع، موقع برخاستن از خواب، بیرون رفتن، قبل از نمازهای روزانه،

نیک به کمر او می‌بستند. هر بار نیز بایستی دعای نیونگ کستی خوانده می‌شد. سپس یک گره در جلو و یک گره در عقب می‌زدند و آن فرد خواندن دعایی از یسنا اقرار به ایمان خود می‌آورد.<sup>۶</sup>

«بافت پیراهن مقدس نیز دارای معنی خاصی است. رنگ سفید به معنی پاکی و بی‌گناهی و نشانه‌ی آیین

۷- سیر تمدن و تربیت در ایران، باستان،

می‌توان به اعلاء درجه‌ی تکامل و رسایی مادی و معنوی رسید.<sup>۸</sup>

### راهنمایی خرد به سوی اهورا و جهان برین

**چنانچه بیان** شد نخستین پایه، بهمن یعنی اندیشه‌ی نیک است. اساس و ریشه‌ی اعمال انسانی اندیشه‌ی او است. از اندیشه‌ی نیک کردار و گفتار نیک ایجاد می‌شود و از اندیشه‌ی بد، گفتار و کردار زشت، لذا برای درستی گفتار و کردار بایستی خرد را به کار انداخت.

«البته انسان باید چنان پاک و آراسته و نیک اندیش باشد که به صفت ستوده پاک اندیشی اهورامزدا برسد»<sup>۹</sup>.

«ما می‌ستاییم هوش آفریده اهورامزدا را برای فرا گرفتن کلام مقدس؛ ما می‌ستاییم خرد آفریده اهورامزدا را برای به ذهن سپردن کلام مقدس...»<sup>۱۰</sup>.



## در ایران باستان فن بیان و سخلوری و سخلرانی از ویژه گی های افراد خردملد و تحصیل کرده بوده است.

« بهمن نخستین آفریده اهورامزدا است. در عالم روحانی مظهر اندیشه‌ی نیک و خرد و دانایی خداوند است. انسان را از عقل و تدبیر بهره بخشید و او را به آفریدگار نزدیک کند. بهمن همان فرشته‌ای است که در خواب روح زرتشت را به پیشگاه جلال اهورا راهنمایی

پاک یا خرد ایزدی نایل می‌گردد. سپس خود را خواهد شناخت و در اثر معرفت به نفس به خدایا اصل حقیقت یا اهورامزدا می‌رسد، یعنی به مبدأ و منبع همه‌ی نیکی‌ها و خوبی‌ها خواهد پیوست و در آن محور خواهد شد و حالت ابدیت و جاودانگی به خود خواهد گرفت ..... این تعالیم به ما می‌آموزد که چگونه با طی مراحل امشا سپندان (فرشتگان مقرب)

۴- اسفند یا سپندارمذ یعنی خرد ایزدی، عشق پاک، فروتنی (سپننه ارمیتی)

۵- خرداد یعنی خودشناسی یا معرفت به نفس (هه اروه‌تات)

۶- امرداد یعنی بی‌مرگی یا مرحله‌ی کمال (امرتات)

به عبارتی، هر کس دارای منش نیک باشد گفتار و کردارش نیز نیک بوده و در وجود او نیروی خدایی و شجاعت اخلاقی ایجاد خواهد شد. آن‌گاه به کسب سپندارمذ یا عشق

۸- آموزش‌های زرتشت، ص ۲۷ و ۲۸

۹- یشت‌ها، ج اول، ص ۸۵

۱۰- خرده اوستا، اورمزدیشت، ص ۵۲

## دانش سخنوری و سخنرانی و نطق کردن با صدای رسا و خردمندانه باعث شهرت و خوش نامی افراد بود.

اصولاً کسی که پیرو قوانین مزدا و معتقد به دین راستین است اشوان

منش نیک است. در اوستا به کرات به پیروی از راستی سفارش شده و به

کرد.<sup>۱۱</sup> به همین ترتیب، خود آدمی نیز او را به شناخت آفریدگار راهنمایی می‌کند.

همیشه خرد را تو دستوردار به دو جانت از ناسزا دور دار<sup>۱۲</sup> و خرد وسیله‌ای است برای تقرب به جهان برین و بهشت اعلی: از او بی به هر دو سرا ارجمند گسسته خرد، پای دارد به بند<sup>۱۳</sup>

### خرد و گفتار و کردار نیک

بهمن، مظهر اندیشه‌ی نیک اهورامزداست. یکی از وظایف بهمن این است که به انسان گفتار نیک تعلیم می‌دهد و از بیهوده‌گویی باز می‌دارد.

سخن چون برابر شود با خرد

روان سراینده، رامش برد

«نسبت به خرد مقدس، به حسب راستی (اشا)، بهتر اندیشیدن و رفتار کردن و سخن گفتن»<sup>۱۴</sup> و کردار نیک زاییده منش نیک است «من به یاد سپرده‌ام که روان را با همراهی منش نیک نگهداری کنم. چه از پاداش مزدا اهورا از برای کردار آگاهم»<sup>۱۵</sup>

### راستی

دومین پایه‌ی صعود به سوی پروردگار اردیبهشت یعنی بهترین پارسایی یا عالی‌ترین راستی و پاکی است. راستی در کردار و گفتار زاییده

۱۱- بشت‌ها، ج اول، ص ۸۸

۱۲- شاهنامه، به تصحیح فرصت شیرازی

ص ۱۶

۱۳- یسنا، های ۱۸، فقره ۲

۱۴- یسنا، های ۲۸، فقره ۴

۱۵- یسنا، های ۷۲، فقره ۱۱

۱۶- یسنا، های ۸ فقره ۶



ashavan خوانده می‌شود و آن که از اشا(راستی) روی گرداند و پیرو کیش دروغ گردد درگونت dregvant یعنی پیرو دروغ نامیده می‌شود. دشمن یا همستار بزرگ اردیبهشت ایندرا Indra یعنی دیو فریفتارو گمراه کننده است: «چه کسی کم داشته باشد، چه کسی بسیار، باید دوستدار راستی پرست باشد و با دروغ پرست بد باشد».

همین دلیل یکی از پایه‌های دین نامیده شده است. «راه یکی است و آن راه راستی است. همه‌ی دیگر راه‌ها بی‌راهه است»<sup>۱۵</sup> البته از این راه راستی بسیار ستایش شده است: «کامروا باد راست، ناکام باد دروغ...»<sup>۱۶</sup> در آیین مزدیسنا، آمل و آرزوی هر کسی باید این باشد که در پرتو راستی و درستی خود از زمره پاکان و مقدسین یا اشوان گردد.

ادامه دارد.

## دانش سخنوری و سخنرانی و نطق کردن با صدای رسا و خردمندانه باعث شهرت و خوش نامی افراد بود.

اصولاً کسی که پیرو قوانین مزدا و معتقد به دین راستین است اشوان

منش نیک است. در اوستا به کرات به پیروی از راستی سفارش شده و به

کرد.<sup>۱۱</sup> به همین ترتیب، خود آدمی نیز او را به شناخت آفریدگار راهنمایی می‌کند.

همیشه خرد را تو دست‌وردار به دو جانت از ناسزا دور دار<sup>۱۲</sup> و خرد وسیله‌ای است برای تقرب به جهان برین و بهشت اعلی: از اویی به هر دو سرا ارجمند گسسته خرد، پای دارد به بند<sup>۱۳</sup>

### خرد و گفتار و کردار نیک

بهمن، مظهر اندیشه‌ی نیک اهورامزداست. یکی از وظایف بهمن این است که به انسان گفتار نیک تعلیم می‌دهد و از بیهوده‌گویی باز می‌دارد.

سخن چون برابر شود با خرد

روان سراینده، رامش برد

«نسبت به خرد مقدس، به حسب راستی (اشا)، بهتر اندیشیدن و رفتار کردن و سخن گفتن»<sup>۱۴</sup> و کردار نیک زاییده منش نیک است «من به یاد سپرده‌ام که روان را با همراهی منش نیک نگهداری کنم. چه از پاداش مزدا اهورا از برای کردار آگاهم»<sup>۱۵</sup>

### راستی

دومین پایه‌ی صعود به سوی پروردگار اردیبهشت یعنی بهترین پارسایی یا عالی‌ترین راستی و پاکی است. راستی در کردار و گفتار زاییده

۱۱- بشت‌ها، ج اول، ص ۸۸

۱۲- شاهنامه، به تصحیح فرصت شیرازی

ص ۱۶

۱۳- یسنا، های ۱۸، فقره ۲

۱۴- یسنا، های ۲۸، فقره ۴

۱۵- یسنا، های ۷۲، فقره ۱۱

۱۶- یسنا، های ۸ فقره ۶



ashavan خوانده می‌شود و آن که از اشا(راستی) روی گرداند و پیرو کیش دروغ گردد درگونت dregvant یعنی پیرو دروغ نامیده می‌شود. دشمن یا همستار بزرگ اردیبهشت ایندرا Indra یعنی دیو فریفتارو گمراه کننده است: «چه کسی کم داشته باشد، چه کسی بسیار، باید دوستدار راستی پرست باشد و با دروغ پرست بد باشد».

همین دلیل یکی از پایه‌های دین نامیده شده است. «راه یکی است و آن راه راستی است. همه‌ی دیگر راه‌ها بی‌راهه است»<sup>۱۵</sup> البته از این راه راستی بسیار ستایش شده است: «کامروا باد راست، ناکام باد دروغ...»<sup>۱۶</sup> در آیین مزدیسنا، آمل و آرزوی هر کسی باید این باشد که در پرتو راستی و درستی خود از زمره پاکان و مقدسین یا اشوان گردد.

ادامه دارد.